

## مثالی ویژه در میامی



همزمان با شروع فصل جدید لیگ بسکتبال حرفه‌ای آمریکا (NBA) به نظر می‌رسد که میامی هیت در عین تلقی شدن به عنوان یکی از 3 قدرت اصلی این پیکارها و مدعی اول قهرمانی، منفورت‌ترین تیم این مسابقات نیز باشد.

خریداری لیبرون جیمز از کلیولند کاولیرز و جذب کریس بوش از تورونتو رپتورز و قرار دادن آنها در کنار دوواین وید که در سال‌های اخیر پیوسته مرد اول هیت محسوب می‌شد و ساختن مثلث تهاجمی فوق‌العاده‌ای از این طریق قطعاً تیمی قدرتمند را در میامی تشکیل داده اما همسو با آن، خیلی‌ها به روش جذب این دو بازیکن و اثری که از آن در اذهان به جای مانده است، اعتراض دارند. جف وان گاندی، مربی آشنای بسکتبال و کارشناس یک شبکه بزرگ خبری در آمریکا معتقد است حالا که مسابقات NBA شروع شده، مساله فوق در لابه‌لای رقابت‌ها و گرمای آن کم و توجه فقط به نتایج رقابت‌ها و چند و چون آن می‌ذول می‌شود. در حقیقت نکات فنی بر هر چیز دیگری سایه خواهد انداخت اما خود بازیگران تیم معتقدند که ماجرا ادامه دارد و ردپای جنگ‌های روحی - روانی اخیر و رخدادهای منفی و پرتزویر تابستان امسال در بازی‌هایی که از چهارشنبه 5 آبان به راه افتاده و اواخر خرداد 1390 پایان می‌گیرد، حس می‌شود. جیمز 26 ساله که تا پیش از قضایای اخیر در جامعه بسکتبال کشورش محبوب بود، می‌گوید: «171#& شاید ماجرا برای خود ما حل شده باشد اما از دیدگاه سایرین ادامه دارد و این را با متلک‌هایی که دائماً به ما می‌اندازند، حس می‌کنیم. البته به عنوان حرفه‌ای‌های این ورزش ما باید با این‌گونه مسائل آشنا باشیم و با ضایعات آن کنار بیاییم و حتی بکشیم که در چنین فضایی نیز به رشد فنی خود ادامه بدهیم و به لحاظ تاکتیکی بهتر شویم.» و روش غلط جیمز که از شهر اکرون در ایالت اوهایو آمریکا می‌آید، چون سال‌ها در کلیولند کاولیرز، مطرح‌ترین تیم بسکتبال این منطقه، مانده بود و تلاش می‌کرد این تیم را به قهرمانی در NBA برساند، از محبوبیتی فراوان در آنجا بهره می‌برد اما وقتی تصمیم به رفتن و الحاق به میامی گرفت، شاید کار او را می‌شد درک کرد زیرا سال‌ها بازی و صبر او در کلیولند منجر به قهرمانی نشده بود و وی حس می‌کرد باید این موقعیت را در مکانی دیگر و در تیمی قوی‌تر جستجو کند. با این حال، مشکل این بود که جیمز جا و روش غلطی را برای بیان خبر جدی‌اش برگزید و این کار را به شکلی بحث‌برانگیز انجام داد. او با شرکت در برنامه‌ای تلویزیونی به نام «171#& تصمیم» در شبکه ESPN ناگهان اعلام کرد که از کاولیرز جدا و جذب هیت خواهد شد و از این طریق تمامی نظر خوش و مثبتی را که بر اثر سال‌ها اقامت و سختکوشی وی در کاولیرز حاصل آمده بود، در یک چشم به هم زدن از بین برد و حتی به اعتبار این برنامه تلویزیونی نیز که حاصل سال‌ها تلاش و پخش دائمی آن بود، لطماتی را وارد کرد و باعث افتادن آن از چشم‌ها شد. برای هواداران کاولیرز، این غیرقابل فهم بود که چرا جیمز حاضر شده است نه در خفا و در حضور صمیمانه آنها و به شکلی غیرتبلیغاتی بلکه در یک برنامه پربیننده تلویزیونی موضوع جدی‌اش از کاولیرز را رسماً مطرح کند و به این ترتیب آنها و اعتبارشان را خرد نماید. این چنین بود که شماری از آنان پیراهن‌های شماره 23 کاولیرز را که به جیمز تعلق داشت، در خیابان‌های کلیولند سوزاندند تا اعتراض خود را به مساله فوق به گونه‌ای مستقیم و آشکار نشان بدهند و اوهایو بعد از سال‌ها تحسین فرزند اول خود، او را دشمن خود بینگارد و تضادهای وحشتناک موجود در جامعه بیمار و ناسالم و تبلیغاتی و سرشار از ریای آمریکا بیش از پیش نمایان شود. با نگاهی دیگر داگ ریورز مربی بوستون سلتیگز که تیمش را در 3 سال اخیر یک بار به قهرمانی و یک مرتبه هم به نایب قهرمانی N.B.A رسانده است، در دل پاییز 2010 می‌گوید از دلایل نفرت تازه پدید آمده نسبت به لیبرون جیمز، کریس بوش و تشکیلات هیت چندین سر در نمی‌آورد. استدلال او این است که تیم خود وی در اقدامی مشابه در تابستان 2007 کوین کارتنت و ری آلن را جذب خود و آنها را ضمیمه پال پی‌پرس کرد و با همین مثلث ویژه، هفدهمین عنوان قهرمانی خود در این لیگ در تاریخ حیات این باشگاه را تصاحب کرد که یک رکورد در این پیکارها به حساب می‌آید. در آن سال (2007) هیچ‌کس به مساله فوق و استخدام گارتنت و آلن توسط بوستون به همان چشمی نگاه نکرد که در ماه‌های اخیر به ماجرای انتقال جیمز و بوش به میامی نگاه شده است. هر سه عضو مثلث خاص مورد بحث در جامعه بسکتبال مورد احترام بودند و بخصوص به کوین گارتنت به خاطر سال‌ها تلاش‌اش در مینه سوتا و کوشش - ولو بی‌نتیجه - او برای قهرمان کردن آن تیم، ادای احترام شده بود. یک پایان سینمایی در آن سال کمتر کسی به بوستون و ترکیب آن ایراد گرفت و یا خیانت‌هایی را به آن نسبت داد که اینک به جیمز، بوش و به واقع به کل تشکیلات هیت نسبت داده شده است. به همین خاطر است که ریورز حس می‌کند دیر یا زود تماشاگران و دوستداران بسکتبال همان احساس را نسبت به میامی و ترکیب و نفرت جدید آن خواهند یافت که به بوستون داشتند. او می‌گوید: مردم از قصه زندگی کسانی که به رغم رنج فراوان به عناوین قهرمانی نرسیده‌اند و حالا در محیط و روندی تازه عنوان نخست را از نو هدف می‌گیرند و سرانجام به هدف خود می‌رسند، لذت می‌برند. آنها این گونه قصه‌های خاص را که به درد فیلم‌های سینمایی و پایان‌های شیرین هالیوودی می‌خورند، بسیار می‌پسندند و برایشان جالب است که از فرجام نهایی کار این گونه ورزشکاران پرکار و آرزومند مطلع شوند. قصه هیت و ترکیب تازه آن، چنان که باید هنوز بازگو نشده است و زمانی که چنین شود بسیاری از نکات منفی فعلی رنگ خواهد باخت و جذابیت‌های موضوع بر سایر مسائل سایه خواهد انداخت. حسن دیگر قصه برای تمامی تماشاگران NBA است زیرا حالا شمار تیم‌های قدرتمند و مدعی در لیگ بیشتر شده و نمی‌توان فقط یکی دو تیم را مدعی دانست و رقابت‌ها پایایی‌تر و تماشاایی‌تر خواهد بود. توان بالقوه لیبرون جیمز تا شبی که در برنامه تلویزیونی موسوم به «171#& تصمیم» را خیر از جدی‌اش از کاولیرز داد، هرگز و حتی به طور تلویحی و غیررسمی به سران کاولیرز از این موضوع چیزی نگفته بود و از کریس بوش هم به این خاطر که قبل از رفتن به میامی ارتباط خود با تیم سابقش - رپتورز - را ناگهان کاهش داده و به روایت سر آنها را کلاه گذاشته بود، بشدت انتقاد شده است. به رغم تمام این مسائل منفی، در این باره که میامی توان بالقوه و لازم را برای خودنمایی کامل در لیگ و حتی کسب عنوان قهرمانی را دارد، به رغم شکست این تیم در روز آغازین لیگ تردید چندانی حس نمی‌شود و به باور ناظران هیت شکل و نمایی خوبی یافته و سقف پرواز آن بسیار بلند است. به موازات آن توجه رسانه‌ها به امور تیم هیت و فعالیت‌های آن در هر 3 ماه اخیر نیز به شکل بسیار محسوس‌تری افزایش یافته است. حتی اگر به سبک و سیاق فیلم‌های سینمایی آنها را آدماهای بد قصه تلقی کنیم، سالن‌های محل انجام مسابقات هیت در شروع فصل جدید معمولاً سرشار از تماشاگران بوده است و به هر حال هر دوره مسابقه و هر عرصه‌ای باید آدماهای بد نیز داشته باشد! دیوید اشترون مدیر دیربای N.B.A می‌گوید: «171#& در سال 1985 که تازه وارد تشکیلات N.B.A شده بودم، رقابت بوستون و لیکرز در اوج خود قرار داشت و براساس شهر و مکان زندگی مردم، به آنها به چشم آدماهای خوب و بد ماجرا نگریسته می‌شد و اینک نیز افرادی در این گونه کش و قوس‌ها باید جای آنان را بگیرند و شاید بهترین کاندیداها برای این مهم نفرات جدید و نامدار تیم هیت باشند.» و برید و منفور شویدا! لیبرون جیمز با اوصاف فوق این شانس را که مثل مایکل جوردن در ایام بازیگری آن بسکتبالیست توانا بسیار محبوب بماند از دست داده و دیگر جایگاه رفیع چهار پنج ماه پیش را ندارد اما مردی که دهه 1990 را به طلایی‌ترین ایام برای شیکاگو بولز بدل کرد و 6 عنوان قهرمانی N.B.A را به آن تیم بخشید، برای او دلگرمی‌هایی را دارد. جوردن در فاصله کمی تا شروع سال 2011 می‌گوید: «171#& وقتی ما در شیکاگو در اوایل دهه 1990 شروع به بردن مکرر مسابقات خود کردیم، منفور شدیم و خارج از آن شهر کمتر کسی از ما خوشش می‌آمد، بدیهی است همان احساس در صورتی که میامی شروع به فتح اکثر مسابقات خود کند، در قبال این تیم وجود آید. هر تیم قدرتمند و فوق‌العاده‌ای مخالفان زیادی دارد. افرادی که بردهای آن تیم، آنها را متضرر و از صحنه خارج می‌کند. بنابراین با هیت است که ثابت کند واقعا چقدر مایه و توان دارد، اما اگر قهرمان شود نباید انتظار حمایت و محبت دیگران را داشته باشد و برعکس باید در انتظار بدگویی‌ها و سمپاشی‌های دیگران باشد.» دست بردارید اما صرف نظر از مثلث توانایی جیمز، وید و بوش و سایر بازیکنان کارساز هیت، این باشگاه آدماهای تاثیرگذار دیگری هم درون تشکیلات خود دارد که می‌توانند روند کارها را به سود این تیم

هدایت کنند و آن را از بحرانها و تهاجم رقبا، چه از نوع فنی و چه از نوع تبلیغاتی آن، مصون نگه دارند. یکی از آنها بت رایلی است. مردی که اینک رئیس باشگاه هیت است و در 3 مقطع، سرمربی تیم هم بوده و تک قهرمانی تاریخ حیات هیت به سال 2006 نیز با هدایت وی به دست آمده است. می‌گوید: «&#171؛ امیدوارم مردم و رقبا از حساس شدن روی ما دست بردارند و اجازه بدهند این تیم در آرامش شکل گیرد و چیزی بشود که در توانش هست. حال چه خوب و چه بد و چه شکوفا و چه ضعیف. باید به این تیم مجال کار و تمرین و مسابقه داد و آن گاه به خودی خود معلوم می‌شود که چه کاره است و سقف پرواز آن به چه حدی است. این درست نیست که این گونه به لحاظ تبلیغاتی از ماه‌ها پیش به ما بتازند و فرصت کار را از ما بگیرند. شاید آنها می‌ترسند که ما واقعا يك چیز فوق‌العاده باشیم و اگر به حرکت درآییم، کسی حریف ما نشود، اما سکوت بهترین چیزی است که برای میادین و تیم‌های ورزشی به کار می‌آید زیرا در سکوت است که تیم‌ها طرح موفقیت‌های پرسروصدای خود را در آینده می‌ریزند.&#171؛ شروع با شکست اگر همه اینها و موارد و رویدادهای مختلف و متعدد هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و هر چیزی برای میامی و مثلث کارکشته تهاجمی آن متصور است، در این شکلی نیست که هیت فصل جدید را بد شروع کرد و روز چهارشنبه 5 آبان در اولین بازی‌اش در زمین بوستون سلتیگز نایب قهرمان فصل پیش متحمل شکست 80 - 88 شد و بجز لیرون جیمز 2 ضلع دیگر مثلث قدرت این تیم بسیار بد کار کردند. اریک اسپولسترا مربی هیت معتقد است نتایج ابتدای فصل هیچ ملاک دقیق و قابل اعتمادی برای تشخیص توش و توان حقیقی يك تیم و پیش‌بینی آینده نیست و باید صبر کرد تا این تیم و ترکیب جدیدش از آب و گل درآیند. اسپولسترا اظهار می‌دارد: «&#171؛ فرار هم نبود ما از همان روز اول، حریفان خود را له کنیم.&#171؛ دوواين ويد هم می‌گوید: «&#171؛ از 82 بازی مرحله اول، این فقط اولین مسابقه ما بود. از هر کسی که تصور می‌کرد ما هر 82 مسابقه خود را می‌بریم، از ته دل عذرخواهی می‌کنیم؛ اما بد نیست هواداران ما از خواب غفلت بیدار شوند؛ زیرا در این لیگ فقط بیدارها به نتیجه می‌رسند.&#171؛ پرمهره و ناکام تاریخ N.B.A سرشار از تیم‌هایی است که خریدهای درشت داشته؛ اما قهرمان نشده‌اند و نیویورک نیکرز، بوتاجز، فی‌نیکس، سائز، دالاس ماوریکز و سیاتل سوپر سانیکز در 2 دهه اخیر از آن قبیل بوده‌اند. آیا هیت به‌رغم پیشینه قهرمانی سال 2006 خود یکی از جدیدترین نمونه‌های این فرآیند نیست؟ از آنجا که تا اواخر فروردین 1390 در چارچوب مرحله اول لیگ (Regular Season) برای هر تیم 82 مسابقه شکل می‌گیرد و سپس 16 تیم صعودکننده به مرحله پلی‌آف دیدارهای متعدد دیگری را هم در این مرحله تجربه می‌کنند، پاسخ دادن به سوال فوق، کار بسیار سختی است؛ اما هیت لاقبل این را می‌داند که از بابت جذب لیرون جیمز، یکی از برترین بسکتبالیست‌های شش هفت سال اخیر جهان، هیچ ضرری نخواهد کرد و حتی حضور صرف او در این تیم نیز به شهادت وقایع روزهای نخست فصل تازه، موجد سود تبلیغاتی و فنی چشمگیری برای تیم مشهور بسکتبال ایالت فلوریدای آمریکا بوده و این به خودی خود سودی بزرگ است. منبع: روزنامه Miami Herald

مترجم: وصال روحانی